

## بررسی تطبیقی فعل‌های ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران

سیدعیسی موسوی<sup>۱</sup>، محمدامین ناصح<sup>۲</sup>، اکرم کرانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه علمی زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲. استادیار، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۳. استادیار گروه علمی زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: amin\_nasseh@birjand.ac.ir

### چکیده

تعریف «فعل مرکب» در زبان فارسی همواره از مسائل بحث‌برانگیز در میان زبان‌شناسان بوده و پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر از منظرهای صرفی، نحوی و معنایی به بررسی و نقد آن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به مقایسه نمونه‌هایی از افعال ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان با فارسی معیار ایران می‌پردازد و می‌کوشد تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو گونه را در ساخت و کاربرد این افعال نشان دهد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه با دانشجویان افغانستانی شاغل به تحصیل در واحد بین‌الملل دانشگاه بیرجند گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد، برای یک فعل ترکیبی رایج در فارسی افغانستان، فعل ترکیبی دیگری در فارسی معیار ایران به کار می‌رود و در برخی موارد نیز معادل آن یک فعل ساده است؛ همچنین در مواردی برعکس این وضعیت نیز مشاهده می‌شود. بررسی تطبیقی افعال مرکب در این دو گونه می‌تواند به روشن‌تر شدن مرزهای صرفی و نحوی این دسته از افعال و نیز شناخت دقیق‌تر تفاوت‌های گونه‌شناختی فارسی کمک کند.

کلیدواژگان: فعل ترکیبی، فارسی دری افغانستان، فارسی معیار، بررسی تطبیقی.



شیوه استناددهی: موسوی، سیدعیسی، ناصح، محمدامین، و کرانی، اکرم. (۱۴۰۵). بررسی تطبیقی فعل‌های ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۱)، ۱-۱۷.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۷ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵

## The Treasury of Persian Language and Literature

### **A Comparative Analysis of Compound Verbs in the Persian Varieties of Afghanistan and Standard Iran**

Seyyed Issa Mousavi<sup>1</sup>, Mohammad Amin Nasseh<sup>2\*</sup>, Akram Korani<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Linguistics and Teaching English, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

2. Assistant Professor, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Human Sciences, Birjand University, South Khorasan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Linguistics and Teaching English, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

\*Corresponding Author's Email: amin\_nasseh@birjand.ac.ir

#### **Abstract**

The definition of “compound verb” in the Persian language has always been a contentious issue among linguists, with numerous studies in recent years examining and critiquing it from morphological, syntactic, and semantic perspectives. This research compares examples of compound verbs in the Afghan Persian dialects with the standard Iranian Persian. It aims to illustrate the differences and similarities in the structure and usage of these verbs between the two varieties. The research data was collected through interviews with Afghan students pursuing their studies at the International Branch of Birjand University. The findings indicate that in some instances, a compound verb common in Afghan Persian is rendered by a different compound verb in standard Iranian Persian, while in other cases, the equivalent is a simple verb. Conversely, the opposite situation is also observed. The results of this study suggest that a comparative analysis of compound verbs in these two dialects can contribute to a clearer understanding of the morphological and syntactic boundaries of this verb category, as well as a more precise recognition of dialectal variations within Persian.

**Keywords:** *Compound Verb, Persian Varieties of Afghanistan, Standard Persian of Iran, Comparative Study.*



**How to cite:** Mousavi, S. I., Nasseh, M. A., & Korani, A. (2026). A Comparative Analysis of Compound Verbs in the Persian Varieties of Afghanistan and Standard Iran. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(1), 1-17.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 11 August 2025

Revise Date: 21 January 2026

Accept Date: 27 January 2026

Publish Date: 21 March 2026

## مقدمه

زبان، از مهم‌ترین نظام‌های نشانه‌ای بشر است که تکوین و رواج گونه‌های مختلف آن، همواره با تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همسو بوده است. زبان فارسی که در پهنه وسیعی از شرق تا غرب و از مرزهای هند تا آسیای مرکزی گسترده بوده، با گذشت زمان و پس از دوران شکوفایی ادبی (از رودکی تا سعدی و فردوسی)، با تغییرات سیاسی و جغرافیایی روبه‌رو شد. با تغییر قدرت‌های سیاسی در دوران‌های مختلف، از جمله تثبیت جایگاه پارسی دری در خراسان بزرگ و دوران سلسله‌های طاهریان تا تیموریان، این زبان به زبان ادب و دربار بدل گشت و هویت خود را در نواحی مختلف حفظ کرد.

امروزه زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و ابزار تبادل اندیشه در ایران، افغانستان و تاجیکستان شناخته می‌شود. اگرچه جوهر زبانی این سه منطقه یکی است، اما تفاوت‌هایی در نظام‌های آوایی و به‌ویژه واژگانی میان این گونه‌ها (فارسی ایران، دری افغانستان و تاجیکی تاجیکستان) وجود دارد (1). این تفاوت‌ها که ناشی از جهان‌بینی‌های محیطی و تأثیرپذیری از زبان‌های همجوار (نظیر عربی، ترکی، پشتو، روسی و...) است، در لایه‌های مختلف زبان، از جمله واژگان و ساختارهای دستوری، نمود یافته است.

در میان این تفاوت‌های ساختاری، بحث از «فعل مرکب» یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در زبان‌شناسی فارسی محسوب می‌شود. نخستین تلاش برای شناسایی و نام‌گذاری این ساختار در اثر منهاج‌الطلب (۱۰۷۰ هـ.ق) صورت گرفت (2). از آن زمان تاکنون، تحلیل‌های صرفی، نحوی و معنایی گسترده‌ای درباره ماهیت فعل مرکب، ترکیب‌پذیری و ساخت موضوعی آن انجام شده است؛ با این حال، فقدان یک تعریف واحد و تنوع در مصادیق این ساختار، همچنان از مباحث بحث‌برانگیز در میان پژوهشگران است (3). با توجه به تفاوت‌های گونه‌ای میان فارسی ایران و افغانستان، بررسی

تطبیقی ساختار فعل مرکب در این دو گونه می‌تواند به روشن‌تر شدن مرزهای ساخت‌واژی و نحوی این دسته از افعال کمک کند. در تبیین ماهیت فعل مرکب، دبیرمقدم (4) میان دو فرایند «ترکیب» و «انضمام» تمایز قائل می‌شود. از نظر وی، فعل مرکب فعلی است که ساختار واژی آن بسیط نبوده و از پیوند یک سازه غیرفعلی (مانند اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف‌اضافه‌ای یا قید) با یک سازه فعلی پدید آمده است. او معتقد است که اگرچه فعل‌های ساده به‌کاررفته در این ساختار ممکن است متعدی باشند، اما فعل‌های مرکبی که از آن‌ها حاصل می‌شوند می‌توانند لازم یا متعدی باشند. همچنین، وجود گونه‌های سبکی در افعال ساده (مانند جایگزینی «کردن» با «نمودن» یا «گردیدن») موجب غنای گنجینه افعال مرکب فارسی شده است (4).

دبیرمقدم همچنین میان ترکیب (فرایند صرفی) و انضمام (فرایند نحوی) تفکیک دقیقی قائل است. از دیدگاه وی، فعل مرکب انضمامی حاصل پیوند مفعول صریح با فعل و حذف نشانه‌های دستوری وابسته به آن (مانند «را» یا نشانه‌های جمع) است؛ به‌گونه‌ای که اسم انضمام‌یافته، حالت دستوری خود را از دست داده و تنها سیطره معنایی فعل را محدود می‌کند. این فرایند، ساخت موضوعی فعل را دگرگون کرده اما شفافیت معنایی آن را حفظ می‌نماید. برخلاف فعل‌های حاصل از ترکیب، افعال مرکب انضمامی همواره لازم هستند و سازه اسمی آن‌ها، حاصل یک فرایند انضمام غیرارجاعی است.

با وجود بررسی‌های گسترده در باب فعل مرکب، همواره چالش اصلی در مورد تعاریف دقیق و مرزبندی میان فعل ساده و فعل مرکب، به‌ویژه از منظر ترکیب‌پذیری و ساخت‌های نحوی، باقی مانده است. نکته حائز اهمیت این است که اکثر پژوهش‌های انجام‌شده، بر گونه معیار ایران تمرکز داشته‌اند و تفاوت‌های ساختاری این دسته از افعال در گونه‌های دیگر فارسی، مانند فارسی افغانستان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش ترکیبی کتابخانه‌ای و میدانی، به بررسی و مقایسه تنوعات ساخت افعال ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان با فارسی ایران پرداخته است.

### - گردآوری داده‌ها:

در مرحله کتابخانه‌ای، مطالعات پیشین در حوزه گویش‌شناسی فارسی افغانستان بازخوانی شد. با توجه به فقدان نقشه جامع گویشی که مرزهای دقیق گونه‌های زبانی در افغانستان را تبیین کند، گردآوری داده‌های میدانی به‌عنوان راهکار مکمل در دستور کار قرار گرفت. ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مستقیم مشارکت‌جویانه بود. تمامی داده‌ها پس از استخراج، بر اساس الگوی پنج‌گانه فعل (از نظر همکرد، ساختار ساده/مرکب و پیشوندی) طبقه‌بندی و داده‌ها در قالب الگوی بین‌المللی IPA واج‌نویسی شدند.

### - جامعه آماری و نمونه‌گیری:

جامعه آماری این پژوهش، فارسی‌زبانان بومی افغانستان (گویشوران دری) هستند. با توجه به محدودیت‌های دسترسی، نمونه‌گیری به‌صورت «هدفمند» انجام شد. نمونه مورد مطالعه متشکل از ۶ دانشجوی فارسی‌زبان در واحد بین‌الملل دانشگاه بیرجند بود (۳ زن و ۳ مرد، با میانگین سنی ۳۰ سال). انتخاب این گروه به دلیل تسلط بر گونه زبانی فارسی افغانستان و توانایی در ارائه تحلیل‌های فرازبانی درباره تفاوت کاربرد افعال در گونه مادری و فارسی معیار ایران بوده است. لذا داده‌های استخراج‌شده بیش از آنکه نمایانگر یک گویش خاص (مانند هراتی یا کابلی) باشد، بازتاب‌دهنده ویژگی‌های عمومی «فارسی دری» در سطح گونه‌های معیار افغانستان است.

تفاوت‌های واژگانی و ساختاری میان این دو گونه مشهود است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ساختار فعل مرکب در فارسی افغانستان با فارسی معیار ایران از نظر صرفی و معنایی همسو است یا خیر؟

بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف مقایسه ساختار افعال ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران انجام شده است. این مطالعه بر آن است تا با بررسی نمونه‌هایی از این افعال، تفاوت‌های موجود در قالب فعل‌های ساده در برابر فعل‌های ترکیبی و معادل‌سازی‌های متقابل را شناسایی و تحلیل کند.

### پیشینه پژوهش

در این بخش، به تفکیک، پژوهش‌های خارجی و داخلی مرتبط به همراه اهم مطالعات مربوط به فارسی افغانستان مرور می‌شود. راجع به افعال مرکب در زبان‌های مختلف پژوهش‌هایی توسط دستورنویسان و زبان‌شناسان با علایق نظری متفاوت صورت گرفته است، ولی در حد اطلاعات پژوهشگران، مطالعه تطبیقی از این حیث بین گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران صورت نگرفته است. در کنار محدود آثاری چون (5)، (6)، (7)، (8)، (9)، (10)، (11)، (12)، (13)، (14)، (15) که به توصیف افعال مرکب در صحنه جهانی پرداخته‌اند، خوشبختانه در ایران آثار متعددی به بررسی ویژگی‌های این فعل در زبان فارسی اختصاص یافته که اهم آن‌ها ذیلآ معرفی شده‌اند:

(16)، (17)، (18)، (19)، (20)، (21)، (22)، (23)، (24)، (4)، (25)، (26)، (27)، (28)، (29)، (30)، (31)، (32)، (33)، (34)، (35)، (36)، (37)، (38)، (39)، (3)، (40)، (41)، (42)، (43)، (44)، (45).

در مورد فارسی افغانستان، گرچه مطالعه‌ای به‌طور ویژه راجع به فعل مرکب نبود، ولی بعضاً پژوهش‌های دستوری چندی به انجام رسیده که به برخی از اهم آن‌ها ذیلآ اشاره می‌شود:

(46)، (47)، (48)، (49)، (50)، (51)، (52)، (53)، (44).

## تحلیل داده‌ها

ذیلاً فعل‌های ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار

ایران مورد بررسی تطبیقی واقع شده‌اند.

### افعال مرکب فارسی معیار با همکرد مشابه در گونه‌های فارسی افغانستان

در گویش‌های فارسی افغانستان، تعداد فعل‌های ساده در قیاس با فارسی معیار بیشتر است. در این گویش‌ها گاه با فعل‌های ترکیبی مواجه می‌شویم که در فارسی معیار نیز همکرد مشابه دارند. ذیلاً نمونه‌هایی به همراه کارکرد جمله‌ای آن‌ها ارائه می‌شود.

وقتی یکی از اجزای کلمه مرکب، فعل باشد، کلمه حاصل را مرکب ثانویه یا فعلی می‌نامند (54). تعداد فعل‌های ساده در زبان فارسی نو (نوشتاری و گفتاری) بسیار اندک است و تمایل غالب این زبان، ساختن فعل‌های ترکیبی است. این تمایل از دوره میانه در فارسی مشهود است. در دوره نو نیز فعل‌های ساده‌ای که بر مبنای صورت‌های قرضی عربی در فارسی ساخته شده‌اند (مانند فهمیدن، بلعیدن) بسیار محدودند و صورت‌های قرضی تازه از زبان‌های غربی نیز هنگامی که به‌عنوان فعل به کار می‌روند (مثل فاکس کردن/ زدن، دوش گرفتن) غالباً مرکب‌اند (4).

جدول ۱. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی افغانستان با همکرد مشابه در فارسی معیار

| فارسی افغانستان               | فارسی معیار | فارسی افغانستان                               | فارسی معیار   |
|-------------------------------|-------------|-----------------------------------------------|---------------|
| /ʔetemad kæd-æn/              | اعتماد کردن | /tɪjɑr kæd-æn/                                | آماده کردن    |
| /bal zædæn/                   | بال زدن     | /ʔotu kæd-æn/                                 | اتو کردن      |
| /pare kæd-æn/                 | پاره کردن   | /kælan kæd-æn/                                | بزرگ کردن     |
| /tæ ʃo-d-æn/                  | پیاده شدن   | /pis-æ ʔændaz kæd-æn/                         | پس‌انداز کردن |
| /tækær kæd-æn/                | تصادف کردن  | /puræ kæd-æn/, /tæsbit kæd-æn/, /sæjl kæd-æn/ | پیدا کردن     |
| /qesse kæd-æn/                | تعریف کردن  | /suræt kæd-æn/                                | تصویر کردن    |
| /soraq kæd-æn/                | جستجو کردن  | /tæmam kæd-æn/                                | تمام کردن     |
| /xof kæd-æn/                  | خوش کردن    | /qælæt kæd-æn/                                | جلوگیری کردن  |
| /rah ræft-æn/                 | راه رفتن    | /doʔa kæd-æn/                                 | دعا کردن      |
| /zende-gi kæd-æn/             | زندگی کردن  | /tir ʃo-d-æn/                                 | رد شدن        |
| /ʃeq ʃo-d-æn/                 | شکافته شدن  | /pors-o pal kæd-æn/                           | سؤال کردن     |
| /ʔarus-i gereft-æn/           | عروسی گرفتن | /mat dad-æn/                                  | شکست دادن     |
| /gur ræft-æn/                 | فرو رفتن    | /qælæt dad-æn/                                | فریب دادن     |
| /poz gereft-æn/               | قیافه گرفتن | /qezawæt kæd-æn/                              | قضاوت کردن    |
| /kar kæd-æn/                  | کار کردن    | /qejmæt kæd-æn/                               | قیمت کردن     |
| /kæm ʔamæd-æn/, /gol ʃo-d-æn/ | کوتاه آمدن  | /komæk kæd-æn/                                | کمک کردن      |
| /dʒur kæd-æn/                 | مرتب کردن   | /gerj-an kæd-æn/                              | گریه کردن     |
| /jad amæd-æn/                 | یاد آمدن    | /sæjl kæd-æn/                                 | نگاه کردن     |
|                               |             | /jad-awær-i kæd-æn/                           | یادآوری کردن  |

«از بین درختان رد شدند» /ʔæz ma-bæjn-e deræxt-a tir ʃo-d-æn/

«از دانشگاه ما را تعطیل کردند» /ʔæz pohæntun roxsæt-e ma kæd-æn/

«پیش از اینکه از خانه بیرون بیایم کل چیزها را مرتب کردم»

/piʃ ʔæz-i ke ʔæz xane bæɾ-ʔa-jom kol-e ʔfiz-a ræ tijar kæd-om/

«تو پیاده شو» /to tæ ʃo/

«تو یک پارچه را انتخاب کن» /jæk tikke ræ xoʃ ku/

/xoda bæʃi-tæ bæɾ-et kælan kon-æ/ «خدا بچه‌ات را برایت بزرگ کند»

/jæk doxtær-e xord gerj-an mi-kæd/ «دختر کوچکی گریه می‌کرد»

«سیما هم بچه شیر می‌داد هم ظرف‌ها را مرتب می‌کرد»

/sima ʔæm ʔeftæke ʃir mej-dad-o ʔæm dig-o-kase dʒur mej-kæd/

«سیما سؤال می‌کرد که چرا به مهمانی نمی‌روی»

/ʃima pors-o-pal mi-kæd ke ʔfæra be mæjman-i næj-mi-ri/

/ʔæziz-e xod-e del-ʔasa-ji me-dad/ «عزیزه خودش را دل‌داری می‌داد»

/kitab-æ xælas kæd-om/ «کتاب را تمام کردم»

/ʔfælpasæ tottæ kæd/ «مارمولک فرار کرد»

«ما سه برادر سمت همدیگر نگاه کردیم»

/ma se bæradær tæræf-e jæk-digæ sæjl kæd-em/

«نفیسه (با مهمانان) احوال‌پرسی و خوش‌آمدگویی کرد»

/næfis-e dʒur-pors-an-i wo xoʃ-ʔamæd-gu-ji kæd/

افعال مرکب فارسی معیار با همکرد متفاوت در گونه‌های فارسی  
نمونه‌های متنوعی از آن‌ها در گونه فارسی افغانستان همراه با  
کارکرد جمله‌ای آشنا می‌شویم.

افغانستان

در گویش‌های فارسی افغانستان با فعل‌های ترکیبی مواجه می‌شویم

که در فارسی معیار همکرد متفاوتی دارند. در این بخش با

جدول ۲. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی افغانستان با همکرد متفاوت در فارسی معیار

| فارسی معیار            | فارسی معیار                         | فارسی افغانستان      | فارسی معیار         |
|------------------------|-------------------------------------|----------------------|---------------------|
| آشنا کردن              | /ʔafna saxt-æn/                     | اثر کردن، تأثیر کردن | /ʔæsær ʔændaxt-æn/  |
| انتقال یافتن           | /ʔenteqal xor-d-æn/                 | انگشت زدن            | /ʃæst kæd-æn/       |
| به ثمر رسیدن           | /sæmær bæst-æn/                     | به یاد آوردن         | /be jad dad-æn/     |
| بیرون انداختن          | /dur kæd-æn/                        | بیل زدن              | /bil kæd-æn/        |
| تجاهل کردن             | /ʃir-qælt zæd-æn/, /gul ʔændaxt-æn/ | تراوش کردن           | /paʃ dad-æn/        |
| تصمیم گرفتن            | /fæjsælæ kæd-æn/                    | تنبيه شدن            | /guʃ-mal kæf-id-æn/ |
| جلو افتادن، پیش افتادن | /piʃ ʃo-d-æn/                       | حرف زدن              | /gæp dad-æn/        |

|                      |                                        |            |                                                  |
|----------------------|----------------------------------------|------------|--------------------------------------------------|
| حرکت کردن            | /ræwan ʃo-d-æn/                        | خاموش شدن  | /ʔob ʔæfgænd-æn/                                 |
| دایر کردن            | /mandæ-g-i bud-æn/, /woqu daft-æn/     | دست کشیدن  | /dæst gereft-æn/                                 |
| دست کم گرفتن         | /kæm zæd-æn/                           | راه رفتن   | /gom-pær ʃo-d-æn/, /rah zæd-æn/, /mænzəl zæd-æn/ |
| سرزنش دیدن           | /ʔitab jaft-æn/                        | سقط کردن   | /bætfæ pær taft-æn/                              |
| شرط بستن             | /ʃært zæd-æ(n)/                        | شکافته شدن | /kæf kæd-æ(n)/                                   |
| شکست خوردن / دادن    | /ʃikæst gereft-æn/                     | عودت دادن  | /qælæt kæd-æn/                                   |
| فایده و تأثیر بخشیدن | /ʃikū daft-æn/                         | فراری دادن | /bægil kæd-æn/, /ʃæt kæd-æn/, /zir gereft-æn/    |
| فرود آمدن            | /pæst-i girift-æn/                     | و فرورفتن  | /ʃækæ kæd-æn/, /kufj kæd-æn/, /lær kæd-æn/       |
|                      |                                        | فروریختن   |                                                  |
| کمک                  | /seda keʃ-id-æn/, /qēq kæʃ-id-æn/      | فریب دادن  | /sær xor-d-æn/, /dʒa zæd-æn/, /hoqnæ kæʃ-id-æn/  |
| خواستن               |                                        |            |                                                  |
| قبول کردن            | /qæbul-dar ʃo-d-æn/                    | کندن جوی   | /fær kænd-æn/                                    |
| کوتاه آمدن، راضی شدن | /qoræ goft-æn/                         | گره زدن    | /gir-e bæst-æn/                                  |
| گم شدن               | /gom ʔændaxt-æn/                       | گوش کردن   | /goʃ gerift-æn/                                  |
| مشغول شدن            | /ʃuql gereft-æn/                       | مضطرب کردن | /pærij-an saxt-æn/                               |
| ناراحت کردن          | /xæfe saxt-æn/                         | نام بردن   | /nam gereft-æn/                                  |
| نماز خواندن          | /næmaz kæd-æn/                         | وعده دادن  | /læfz kæd-æn/, /wædæ man-d-æn/                   |
| همت کردن             | /ʔamade-gi gereft-æn/, /ʔæjar saxt-æn/ | هم زدن     | /ʃur dad-æn/                                     |

«با ماشین به طرف دفتر حرکت کردم» /ba mutær be tæræf-e dæftær ræwan ʃo-d-om/

«خودت حرف بزن» /xod-æt gæp de/

«فرش قبلی را بیرون انداختم» /færf-e sabeq ræ dur kæd-æm/

«قاشق را بگیر و هم بزن» /ʃæmtʃæme ræ gereft-e ʃur bæ-t-i/

«کارهای مادرم خودش را هم ناراحت می کند»

/kar-a-je madær-æm xod-ef-e xæfe mi-saz-æ/

افعال مرکب فارسی معیار که در گونه های فارسی افغانستان به این حیث گروه ویژه ای از افعال را تشکیل داده که ذیلاً نمونه هایی از آن ها همراه با کارکرد جمله ای معرفی می شوند.

شکل فعل ساده ظاهر می شوند

در فارسی معیار نمونه های چندی از افعال ترکیبی وجود دارد که

در گونه فارسی افغانستان به صورت فعل ساده ارائه می شوند و از

جدول ۳. نمونه هایی از فعل های ترکیبی فارسی معیار با تجلی فعل ساده در فارسی افغانستان

| فارسی معیار | فارسی معیار     | فارسی افغانستان        | فارسی معیار            |
|-------------|-----------------|------------------------|------------------------|
| آب شدن      | /gudaz-id-æn/   | اتراق کردن، اقامت کردن | /ʔist-ad-æn/           |
| ادرار کردن  | /bæwl-id-æn/    | آرایش کردن             | /ʔaro-st-æn, ʔamud-æn/ |
| آشکار کردن  | /pærij-id-æ(n)/ | آغاز کردن              | /ʔaqoz-id-æ(n)/        |

|                    |                                              |                               |                                                   |
|--------------------|----------------------------------------------|-------------------------------|---------------------------------------------------|
| افسرده شدن         | /pæʒmur-id-æn/                               | آه کشیدن                      | /ʔoh-id-æn/                                       |
| بار گذاشتن         | /pæz-on-id-æn/, /pæz-id-æn/                  | بالا بردن                     | /færaz-id-æn/                                     |
| بانگ و فریاد زدن   | /qirew-id-æn/                                | بریان کردن                    | /birift-æn/                                       |
| بلند شدن           | /xist-æn/                                    | به بازی گرفتن، بازی کردن      | /bazi-d-æn/                                       |
| بهره‌مند گردانیدن  | /næsib-id-æn/                                | پاره شدن بر اثر برخورد با سنگ | /kæf-id-æn/                                       |
| پاره کردن / شدن    | /sigost-æn/, /bær dærid-æn/                  | پراکنده ساختن                 | /pærif-id-æn/                                     |
| پرتاب کردن         | /pærtab-id-æn/                               | پلو خوردن                     | /pælæw-id-æn/                                     |
| پناه بردن          | /pænoh-id-æn/                                | پیدا کردن                     | /jab-id-æn, /jaf-id-æn/                           |
| تراوش کردن         | /pæfændʒ-id-æn/, /zæh-id-æn/                 | تربیت کردن                    | /ʔamuxt-an-d-æn/, /ʔamuz-an-d-æn/, /pærwær-id-æn/ |
| تعجب کردن          | /ʃigift-id-æn/                               | جدا کردن                      | /ʃikæn-id-æn/                                     |
| جلا و روشنی داشتن  | /dʒæl-id-æn/                                 | چاره جویی کردن                | /ʃfærw-id-æn/                                     |
| حساب کردن          | /ʔamor-d-æn/                                 | حمله کردن                     | /giraj-d-æn/                                      |
| حیران ماندن        | /hoʒu-ʔid-æn/                                | خاموش شدن                     | /ræft-æn/                                         |
| خبر دادن           | /ʔagah-on-id-æn/, /ʔagah-id-æn/              | خجالت کشیدن، ذوب شدن          | /ʃærm-id-æn/                                      |
| خرج کردن، صرف کردن | /xærdʒ-id-æn/                                | خشمگین شدن                    | /tund-id-æn/                                      |
| خوشحال شدن         | /pedrom-id-æn/                               | دوری کردن، حذر کردن           | /pærhez-id-æn/                                    |
| ذخیره کردن         | /ʔænduz-id-æn/                               | رنده کردن                     | /rænd-id-æn/                                      |
| روانه کردن         | /ræwon-d-æn/, /gæraj-æn-d-æn/                | زخمی شدن                      | /ref-id-æn/                                       |
| سوختن، سوزاندن     | /plæw-id-æn/                                 | شایسته و سزاوار بودن          | /ʃoj-id-æn/                                       |
| شکافته شدن         | /dærz-an-d-æn/, /kæf-an-d-æn/, /ʃigof-id-æn/ | شیدا شدن                      | /ʃeft-æn/                                         |
| صبر و تحمل کردن    | /ʃikib-id-æn/                                | فتنه برانگیختن                | /ʔafub-id-æn/                                     |
| فراری دادن         | /gorixt-an-d-æn/, /wæhm-on-d-æn/             | فرورفتن و فرو ریختن           | /qut-id-æn/                                       |
| فریب دادن          | /fireb-id-æn/                                | کوتاه کردن                    | /ʃekæst-an-d-æn/                                  |
| کوچ کردن           | /kutʃ-id-æn/                                 | گرو دادن                      | /gæræw-id-æn/                                     |
| گمان داشتن         | /gumon-id-æn/                                | نفرین کردن                    | /næfrid-æn/                                       |
| نقش کردن، رسم کردن | /nigar-id-æn/                                | ورم و آماس کردن               | /wæræm-id-æn/                                     |
| وزن کردن           | /sæxt-æn/, /sændʒ-id-æn/                     | همت کردن                      | /ʔamad-æn/                                        |

«از روی مبل بلند شد و به حال رفت» /ʔæz sær-e kowʃ xist-o be daliz ræft/

«فرار کن» /bæ-griz/

«خجالت می‌کشم» /mej-ʃærm-om/

«نمی‌دانم چرا زود برخاست و رفت» /ne-mej-fam-om ʃfæra zud xist-o ræft/

افعال ساده فارسی معیار که در گونه‌های فارسی افغانستان به شکل فعل مرکب ظاهر می‌شوند

می‌آید. ذیلاً نمونه‌هایی از این گروه به همراه کارکرد جمله‌ای آن‌ها ارائه می‌شود.

از سویی افعال ساده چندی در زبان فارسی معیار وجود دارند که معادل آن‌ها در گویش‌های فارسی افغانستان به صورت فعل ترکیبی

جدول ۴. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی افغانستان با تجلی فعل ساده در فارسی معیار

| فارسی افغانستان                                                                              | فارسی معیار       |
|----------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------|
| /ʔest-ad ʃo-d-æn/                                                                            | ایستادن           |
| /pot gereft-an/, /puʃ kæd-æn/, /bæst-æ kæd-æn/                                               | بستن (در و پنجره) |
| /paʃ dad-æn/                                                                                 | پاشیدن            |
| /poxt-æ kæd-æn/, /bar kæd-æn/, /bærabær kæd-æn/                                              | پختن              |
| /qæbul-dar ʃo-d-æn/                                                                          | پذیرفتن           |
| /pors-an kæd-æn/                                                                             | پرسیدن            |
| /xænd-e kæd-æn/                                                                              | خندیدن            |
| /xow kæd-æn/                                                                                 | خوابیدن           |
| /gom-pær ʃo-d-æn/, /rah zæd-æn/, /mænzal zæd-æn/                                             | رفتن              |
| /suz kæd-æn/, /ʃuʔlæ dad-æn/                                                                 | سوختن             |
| /pæhlu xor-d-æn/, /guj xor-d-æn/, /lul-an ʃo-d-æn/, /læm dad-æn/, /lær kæd-æn/, /lot dad-æn/ | غلطیدن            |
| /kaw kæd-æn/, /naxun-æk kæd-æn/                                                              | کاویدن            |
| /kub dad-æn, kombæ zæd-æn/                                                                   | کوبیدن            |
| /xæbær kæd-æn/                                                                               | گفتن              |
| /neweft-e kæd-æn/                                                                            | نوشتن             |
| /puræ kæd-æn, tæsbit kæd-æn, sæjl kæd-æn/                                                    | یافتن، دیدن       |

«این جناب گروه‌بان، بازی را باخته بود» /ʔi særwær zabet bazi-ra baxt dad-e bud/

«بفرست» /ræwan ku/

«پرسید که می‌آیید یا نه» /pors-an kæd ke mej-ʔaj-ed ja næ/

«تندتند رفتن نفسم را می‌گیرد»

/titztiz rah zæd-æn bix-i næfæs-e me qæjd mej-kon-e/

«در رو ببند» /darwazæ ræ bæst-e ku/

«روبه‌روی من بایست» /ru-be-ru-je me ʔist-ad ʃo/

«ساره خانه آمد و غذا خورد و آرام خوابید»

/sare xane ʔamæd-o nan xor-d-o ʔaram xow kæd/

«غذا پختند» /nan poxt-e kæd-æn/

«همه گریختند» /hæme gorix kæd-æn/

پیشوندی می‌آید. ذیلاً نمونه‌هایی از این گروه همراه با کارکرد جمله‌ای ارائه می‌شود.

افعال پیشوندی در گونه‌های فارسی افغانستان که در فارسی معیار ترکیبی یا ساده است

افعال ترکیبی یا ساده چندی در زبان فارسی معیار وجود دارند که معادل آن‌ها در گویش‌های فارسی افغانستان به صورت فعل

«می‌شود لطفاً در را ببندی؟» /ʔæz xejr-et dærwazæ ræ piʃ mi-kon-i/

«به این شکل وارد می‌شود» /ʔæm-i ræqæm mi-dær-ʔaj-e/

«به میدان وارد شو» /dæ mæjdan dær-ʔaj/

«جلسه تمام شد و مردها بیرون آمدند و رفتند»

/mædʒles xælas fo-d-o mærd-a bær-ʔamæd-ænd-o ræft-æn/

«خانه آن‌ها آتش گرفته است» /xane-jæ-fan dær girif-æ/

محفوظ مانده است. این قبیل تفاوت‌های گونه‌شناختی که بخشی از آن ناشی از حفظ ساختارهای کهن در فارسی دری افغانستان و بخشی دیگر مرهون تعاملات زبانی در جغرافیای آن کشور است، در کنار برخی اشتراکات دستوری و واژگانی، بعضی ساخت‌های نوآورانه را در فعل ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان نمایان می‌سازد که علی‌القاعده برای نهادهای سیاست‌گذاری چون فرهنگستان زبان و ادب فارسی جالب توجه و کاربردی به نظر می‌رسد تا از ظرفیت‌های هر دو گونه برای غنای بیش‌ازپیش زبان فارسی بهره‌برداری شود.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی فعل ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران، نشان داد که تفاوت‌های ساختاری میان فعل مرکب در این دو گونه زبانی وجود دارد. داده‌های گردآوری‌شده در پنج دسته قابل تقسیم هستند.

نخست، برخی افعال مرکب فارسی معیار که هم‌کرد آن‌ها با نمونه‌های متناظر از گونه‌های فارسی افغانستان مشابه است. از سویی، افعال مرکب دیگری در فارسی معیار هستند که هم‌کرد آن‌ها در گونه‌های فارسی افغانستان متفاوت است. به علاوه، برخی افعال مرکب فارسی معیار در گونه‌های فارسی افغانستان به شکل فعل ساده ظاهر می‌شوند. از سویی افعال ساده چندی در زبان فارسی معیار وجود دارند که معادل آن‌ها در گویش‌های فارسی افغانستان به صورت فعل ترکیبی می‌آید. در نهایت افعال پیشوندی در گونه‌های فارسی افغانستان بوده که در فارسی معیار، به شکل ترکیبی یا ساده نمایان هستند.

در نهایت، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که علی‌رغم این قبیل تفاوت‌های ساختاری، پیوستگی زبانی میان این دو گونه زبانی

## EXTENDED ABSTRACT

### Introduction and Problem Statement

Language is a dynamic semiotic system that evolves in response to social, political, and cultural shifts. Persian, with its extensive historical reach from Central Asia to the Indian subcontinent, serves as a primary example of such evolution. While the linguistic core of Persian remains stable, its geographical distribution has fostered distinct varieties, most notably in Iran, Afghanistan, and Tajikistan.

A central debate in Persian linguistics concerns the nature of “compound verbs” (complex predicates). Scholars remain divided on whether these structures should be categorized as single morphological units, syntactic combinations of lexical and light verbs, or semantic constructions. This ambiguity is further intensified when examining dialectal variations. While “Standard Iranian Persian” provides the formal norm in Iran, “Afghan Persian” (Dari) possesses unique morphological and lexical characteristics. Currently, there is a lack of rigorous comparative research that analyzes how these variations manifest specifically within the domain of compound verbs. This study seeks to address this gap by providing a comparative linguistic analysis of these two major varieties.

### Research Objectives

The primary goal of this research is to investigate the structural and lexical divergences of compound verbs in Afghan

Persian and Standard Iranian Persian. The specific objectives are:

- To identify the linguistic variations in the formation of compound verbs across both varieties.
- To analyze the patterns of equivalence, specifically examining cases where compound verbs correspond to different forms or to simple verbs.
- To delineate the morphological and syntactic boundaries that define complex predicates in each dialect.
- To contribute to the theoretical understanding of dialectal variation within the Persian-speaking continuum.

### Theoretical Framework and Literature Review

The study is situated within the framework of comparative linguistics, focusing on morphological and syntactic analysis. Existing literature on Persian complex predicates is multifaceted: some scholars approach the topic through morphology (focusing on word formation), others through syntax (analyzing the relationship between the main verb and the auxiliary), and some through semantics (studying meaning shifts).

Historically, the “Dari” variety has played a significant role in Persian literature and administration, particularly in regions like Herat and Kabul. However, most comparative studies have focused on phonological or lexical differences, often overlooking the complex morphological nuances of the verbal

system. This research builds upon these existing studies by focusing on the functional and structural differences in verb composition, bridging the gap between purely descriptive studies and formal linguistic analysis.

### Methodology

This study employs a qualitative-descriptive research design, utilizing primary data collected through direct linguistic engagement.

- **Participants:** The data source consists of Afghan students currently enrolled at the International Branch of Birjand University. This participant group was selected because they are proficient in both Afghan Persian (their native variety) and Standard Iranian Persian (the medium of instruction), making them ideal for comparative reflection.

- **Data Collection:** Semi-structured interviews were conducted to elicit naturalistic language use. This method allowed for the observation of how participants choose between different verbal constructions in communicative contexts.

- **Analytical Approach:** The collected data were analyzed using a comparative method. The verbs were categorized based on their structural relationship: (1) direct equivalents, (2) structural variations (different compound components), and (3) complexity variations (compound vs. simple verb).

### Findings and Discussion

The analysis reveals significant variations in the verbal systems of the two varieties. The

findings can be synthesized into three primary patterns:

1. **Lexical-Structural Divergence:** In many instances, a compound verb that is idiomatic and frequent in Afghan Persian is replaced by an entirely different compound verb in Standard Iranian Persian. This suggests that while the semantic intent remains identical, the morphological “building blocks” are dialect-specific.

2. **Complexity Asymmetry:** A notable finding is the discrepancy in morphological complexity. The study identified cases where Afghan Persian utilizes a compound verb to express a concept that is represented by a single, simple verb in Standard Iranian Persian. Conversely, some complex predicates in the Iranian variety lack a direct compound counterpart in Afghan Persian, often being substituted by simpler constructions.

3. **Syntactic and Morphological Boundaries:** The results indicate that the definition of a “compound verb” is not uniform across varieties. The boundaries between a lexical verb and its auxiliary vary, suggesting that the syntactic rules governing verb composition are subject to dialectal shifts.

### Conclusion and Implications

This research demonstrates that the differences between Afghan Persian and Standard Iranian Persian extend beyond mere vocabulary into the realm of verbal morphology and syntax.

Implications:

- Linguistically: The study supports the view of Persian as a spectrum of varieties rather than a monolithic entity, highlighting the importance of dialectal nuance in morphological studies.
- Pedagogically: For learners of Persian, recognizing these variations is essential to avoid communicative interference and to achieve true proficiency in both academic and social contexts.
- Lexicographically: The findings underscore the necessity for more sophisticated, multi-dialectal dictionaries that account for the structural diversity of the Persian verbal system.

Ultimately, this study provides a clearer understanding of the morphological boundaries that define the unique identities of Afghan and Iranian Persian, contributing to the broader study of Indo-European linguistic evolution.

## References

1. Heravi NM. *Tarikh va Zaban dar Afghanistan [History and Language in Afghanistan]*. 2nd ed: Mahmoud Afshar; 1992.
2. Zinimi Shanduni Chini, M. H. 2009. *Minhaj al-Talab* (A. Mirabedini, Ed.). Tehran: Anjuman-i Asar va Mafakhir-i Farhangi. (Original work published 1660).
3. Monshizadeh M, Changizi E, Sharif B. The Endless Story of the "Compound Verb": An Introduction to Conceptology and Terminology of Complex Verbs in Persian. *Journal of Researches in Linguistics*. 2021;13(2):217-36.
4. Dabirmoghadam M. *Compound Verbs in Persian*. Persian Linguistic Studies: University Publishing Center; 1997. p. 149-99.
5. Kröber A. Noun Incorporation in American Languages. In: Heger F, editor. *XVI Internationaler Amerikaisten-Kongress: Hartleben*; 1909. p. 569-76.
6. Sapir E. The Problem of Noun Incorporation in American Languages. *American Anthropologist*. 1911;13(3):259-82.
7. Mithun M. The Evolution of Noun Incorporation. *Language*. 1984;60(4):847-94.
8. Baker MC. *Incorporation: A Theory of Grammatical Function Changing*: University of Chicago Press; 1988.
9. Rosen S. Two Types of Noun Incorporation. *Language*. 1989;65(2):294-317.
10. Spencer A. Incorporation in Chukchi. *Language*. 1995;71(1):139-489.
11. Megerdooomian K. Event Structure and Complex Predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*. 2001;46(1/2):97-125.
12. Family N. *Exploration of Semantic Space: The Case of Light Verb Construction in Persian [Doctoral dissertation]*: École des Hautes Études en Sciences Sociales; 2006.
13. Windfuhr G, Perry JR. Persian and Tajik. In: Windfuhr G, editor. *The Iranian Languages*: Routledge; 2009. p. 416-544.
14. Ciancaglini C. The Formation of the Periphrastic Verbs in Persian and Neighbouring Languages. In: Maggi M, Orsatti P, editors. *The Persian Language in History*: Reichert; 2011. p. 3-21.
15. Korn A. Looking for the Middle Way: Voice and Transitivity in Complex Predicates in Iranian. *Lingua*. 2013;135:30-55.
16. Khayampour A. *Persian Grammar*. 5th ed: Tehran Bookstore Publishing; 1965.
17. Shirzadeh Farahchi A. *A Semantic Study of Persian Verbs [Master's thesis]*: University of Tehran; 1971.
18. Vahidian T. *Dar Zaban-e Rasm-e Morakkab Nist [There Is No Compound Verb in Persian]*. Proceedings of the Second Congress of Iranian Studies: University of Mashhad; 1972. p. 264-8.
19. Tabaian H. *Persian Compound Verbs*. *Lingual*. 1979;47:189-208.
20. Bashiri I. *Persian Syntax*: Burgess Publishing Company; 1981.
21. Barjasteh D. *Morphology, Syntax and Semantics of Persian Compound Verbs: A Lexicalist Approach [Doctoral dissertation]*: University of Illinois; 1983.
22. Khanlari PN. *History of the Persian Language*. 2nd ed: Nashr-e No; 1986.
23. Haqbin F. *Analysis of Verb Lexical Structures in Persian Based on the Standard Extended Grammar [Master's thesis]*: University of Tehran; 1991.
24. Taleghani A. *A Study of Some Compound Verbs in Persian within the Framework of the Dependent Transfer Hypothesis [Master's thesis]*: University of Tehran; 1996.
25. Vaezi H. *The Merging Ability of Persian Complex Verb [Master's thesis]*: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2000.
26. Zahidi K. *The Structure of Compound Verbs in Modern Persian: A Minimalist Perspective*

- [Doctoral dissertation]: Tarbiat Modares University; 2002.
27. Tabatabai A. Verb-e Tarkibi dar Zaban-e Farsi [Compound Verb in the Persian Language]. Nameh Farhangistan. 2014;7(2):26-34.
  28. Khoeini E. Kuchaki-haei dar Mored-e Verb-e Tarkibi [Some Points about Compound Verbs]. Research on Mystical Literature. 2010;4(2):45-58.
  29. Sasani F. Is the Integration and Combination in the Persian Verb Justifiable? In: Ghatreh F, Modarres Khiyabani S, editors. Collection of Papers in the Third Meeting of Morphology: Ahura; 2011. p. 81-106.
  30. Abdolkarimi S. Motaleh-ye Mahdoudiyath-e Morfo-Semantik bar Darayandegi-ye Af'al-e Tarkibi va Sade dar Farsi-ye Meyar-e Muaser: Rooykardi Shenakhti [Study of Morpho-Semantic Limitations on the Derivation of Compound and Simple Verbs of Contemporary Standard Persian: A Cognitive Approach] [Unpublished doctoral dissertation]: Tarbiat Modares University; 2011.
  31. Bazaz M. Motaleh-ye Naqsh-e Leksikalizisazi va Gramatikalizisazi dar Saakht-e Af'al-e Tarkibi dar Farsi [A Study of the Role of Lexicalization and Grammaticalization in the Formation of Compound Verbs in Persian] [Master's thesis]: University of Birjand; 2012.
  32. Torabi M. Anjam-e Maful dar Farsi: Rooykardi-ye Vorud-Shenasi [The Incorporation of Objects in Persian: A Functional Approach] [Master's thesis]: Isfahan University; 2013.
  33. Hosseini Rad S. Af'al-e Tarkibi-ye Hrof-e Ezafe dar Farsi [Prepositional Compound Verbs in Persian] [Master's thesis]: Allameh Tabatabai University; 2014.
  34. Khushduni Farahani A. Complex Predicate, Light or Heavy? Linguistic Research. 2016;8(14):17-36.
  35. Ozgoli B, Ameri H, Modaressi B. Conceptualization of Motion in Persian Compound Verbs: A Cognitive Approach. Journal of Western Iranian Languages and Dialects. 2023;10(4):1-20.
  36. Behnamfar M, Ebrahimzadeh M. Pathological Description of Compound Verbs in Farsi Grammar Books (Definitions and Terms). Literary Arts. 2018;10(2):1-6.
  37. Shahbazi A. Naghd bar Motale'at-e Sotun-e Ravan va Modern dar Mored-e Verb-e Tarkibi dar Farsi [A Criticism of Traditional and Modern Studies on Compound Verbs in Persian]. Research in Teaching Persian Language and Literature. 2019(3):81-105.
  38. Barzegar H, Mirdehghan Farashah M, Karimidoostan G. Lexical Aspect in Persian Denominal Complex Predicates. Journal of Linguistics and Khorasan Dialects. 2022;13(2):167-94.
  39. Hosseinpanaei F. Word Formation and the Issue of Producing Verbal Structures in Contemporary Persian. Journal of Shahryar Studies. 2021;8(31):221-36.
  40. Nazari R. Comparison and Analysis of Grammarians' Views on Compound Verbs. Journal of Shahryar Studies. 2021;8(31):297-306.
  41. Hasanshahi Raviz M. An Analysis of Polysemy in Persian Compound Verbs Based on Construction Morphology Theory: The Case of kærðæn, dæðæn, zæðæn, and gereftæn Light Verbs [Master's thesis]: Vali-e-Asr University of Rafsanjan; 2022.
  42. Sharif B. The Evolution of Complex Predicates in Iranian Languages. Language Science. 2023;10(18):365-400.
  43. Mehravaran M. Barresi-ye Af'al-e Tarkibi dar Zaban-e Farsi bar Asas-e Korpus-Shenasi [Examination of Compound Verbs in the Persian Language through Corpus Analysis]. JSAL. 2024;7(1):83-105.
  44. Nasseh MA. The Diversity of Verb Constructions in Kabuli, Herati, and Hazargi Persian Varieties of Afghanistan. Journal of Iranian Dialects & Linguistics. 2024;8(2):239-65.
  45. Rasekh-Mahand M. Why Doesn't Persian Produce Simple Verbs? Journal of Comparative Linguistic Researches. 2025;15(29):6-38.
  46. Yavansian YA. The Position of the Herati Dialect among the Dari Persian Dialects. Nameh Farhangistan. 2000;4(4):140-60.
  47. Hosseini SMD. Description of the Kabul Dari Dialect [Master's thesis]: Ferdowsi University of Mashhad; 2006.
  48. Yamin MH. Language Changes: History of Persian Dari. 3rd ed: Said Publications; 2012.
  49. Sa'idy N. The Contemporary Grammar of Dari. 2nd ed. Mehdi M, editor. Kabul: Amiri; 2013.
  50. Yamin MH. Contemporary Grammar of Persian Dari: Maiwand Publications; 2014.
  51. Sena Ghaznavi MA. Dari Grammar: Andesha Publishing; 2015.
  52. Azizi K. Examining the Linguistic Features of the Heravi Dialect in the Book "A Part of an Ancient Interpretation in Persian" [Master's thesis]: Tarbiat Modares University; 2020.
  53. Vasegh E. Deletion in Sentences with Complex Predicates in Persian: A Phase-Based Approach. Journal of Researches in Linguistics. 2023;15(1):181-98.
  54. Sheqaqi V. Integration in Farsi. Grammar. 1987;3:3-39.